

عنوان مقاله:

تبیین جایگاه عقل در مثنوی مولوی و دلالت های تربیتی آن

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهشهای آموزش و یادگیری، دوره 8، شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

محسن فرمehینی فراهانی

مهدی سبحانی نژاد

زینب مهدوی

خلاصه مقاله:

بررسی دیدگاه های اندیشمندان و متفکران، به ویژه آنان که برخاسته از فرهنگ و تمدن غنی و پر بار ایران است، می تواند نتایج مهم و مفیدی در عرصه تعلیم و تربیت داشته باشد. مهم ترین و بارزترین نتیجه آن، بی نیازی از فرهنگ و راهکارهای وارداتی است که معمولا در پشت آن ها اهداف استعماری، نهفته است. در این نوشتار آراء و آموزه های مولانا جلال الدین بلخی مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش تحلیلی- استنتاجی است. به این منظور، ابتدا به تبیین جایگاه عقل در مثنوی پرداخته شد. نقش و تاثیر عقل در تربیت انسان، مورد بررسی قرار گرفت و سپس دلالت های تربیتی آن از مفروضات فلسفی مولانا، استنباط شد. یافته های پژوهش نشان داد که مولانا به دو نوع عقل اعتقاد دارد. او با عقل جزئی، مخالف اما عقل کلی را لازمه تکامل انسان می داند و نقش اساسی آن را به ویژه در عرصه تربیت، غیر قابل انکار می داند. دلالت های تربیتی در چارچوب اهداف، اصول و روش، ارائه شد. هدف بنیادین در تربیت عقل، رسیدن به عقل کلی و قرب الی الله است و هدف های میانی آن، اندیشه ورزی و عمیق شدن در آفرینش و پرورش عقل جزئی و تحصیلی است. اصول تربیتی آن عبارتند از: اصل تفکر و تعقل، پاکی و پالایش نفس، اختیار و آزادی اراده، مسئولیت پذیری، رعایت تفاوت های فردی در میزان درک و فهم، نیاز به پیروی از راهنما و مربی، خودکامی و خودسنجی، مشورت و هم فکری، اصل اهمیت تجربه و نیز روش های تربیتی منتج از آن عبارتند از: روش پرسشگری فعال، محبت و عشق ورزی، سیر و سلوک یا ریاضت نفس، اطاعت و احترام به استاد یا مربی، روش تحقیقی، مشاهده و مراقبه، روش انزوا و خلوت گزینی.

کلمات کلیدی:

مولانا، تعلیم و تربیت، عقل کلی، عقل جزئی، مثنوی، دلالت های تربیتی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1388943>

